

چه کسی مورایس را نمی خواست؟



صفحه ۶

وطن امروز

دردناک برای تغییر ادراک

صفحه ۲



تیتیر های امر وز

عملیات‌های حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی شدت گرفت؛ از حمله به سامانه‌های دفاعی تا به آتش کشیدن شهرک‌های شمالی

پهپادها کابوس تل آویو

ارتش صهیونیستی پس از ۶ روز تلاش در نفوذ به دشت خیام ناکام ماند



تعداد تلفات سبیل بی‌سابقه اسپانیا به ۲۱۱ نفر رسید

سیل اسپانیا

در انتظار همدیترانه

صفحه ۷

دولت چهاردهم هنوز سیاست‌های خود در حوزه مسکن را اعلام نکرده است

مسکن فعلا هیچ

با وجود توقف تورم مسکن، معاملات به دلیل کاهش توان خرید مردم به حداقل رسیده است گزارش «وطن امروز» از چالش‌های بودجه ۱۴۰۴ در رسیدن به رشد ۸ درصدی در برنامه هفتم پیشرفت

بودجه

مشکل رشد دارد

صفحات ۲ و ۳

نگاه

درباره اشغال لانه جاسوسی واکنش به تهدید وجودی

مصطفی نصری: بیانات دیروز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی بار دیگر اهمیت تاریخی و استراتژیک اشغال سفارت آمریکا در تهران را یادآور شد. معظمله با تاکید بر اینکه مساله لانه جاسوسی نمی‌تواند مورد سوال و تردید قرار بگیرد، بیان کردند: «سفارت آمریکا صرفا یک محل تحرک دیپلماتیک و اطلاعاتی صرف نبود، بلکه ستاد برنامه‌ریزی برای تحریک داخلی علیه انقلاب و نابود کردن انقلاب و حتی تهدید جان مبارک امام بزرگوار بود». در پاسخ به منتقدان داخلی و خارجی که مدعی هستند اشغال لانه جاسوسی منجر به تشدید دشمنی‌های آمریکا با ایران شد، باید این واقعیت تشریح شود که ماجرای تسخیر لانه جاسوسی و اقدامات ایران پس از آن، با درک صحیح از شرایط آن دوران و تهدیدهای موجودیتی علیه انقلاب اسلامی، روشن‌تر می‌شود. این اقدام به عنوان واکنشی به تهدیدها و اقدامات گسترده آمریکا برای براندازی انقلاب بوده است. اشغال لانه جاسوسی در مقایسه با واکنش‌هایی که در سایر کشورها به کودتاها و مداخلات مشابه رخ داده است، نه تنها تنش‌زا محسوب نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده تدبیر و ملاحظات ایران برای تداوم نیافتن تنش در مواجهه با یک دشمن تجربه‌شده است.

■ **دعای ایران با آمریکا را کاخ سفید شروع کرد**
افراد بسیاری در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند روایت‌های متفاوتی از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا ارائه دهند و حتی این رویداد را به عنوان عامل اصلی تنش میان ایران و آمریکا مطرح کنند اما رهبر معظم انقلاب در بیانات‌شان بارها تأکید کرده‌اند این خصوصیت‌ها پیش از انقلاب و حتی پیش از اشغال سفارت آغاز شده بود. ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ نقطه عطفی در تاریخ تقابل ایران و آمریکا به شمار می‌آید. در این کودتا، دولت قانونی محمد مصدق با همکاری سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) و حمایت بریتانیا سرنگون شد. این رویداد منجر به تقویت حکومت شاه و افزایش وابستگی ایران به غرب بویژه آمریکا شد. تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (سلاواک) و حمایت‌های گسترده نظامی و اقتصادی آمریکا از حکومت پهلوی از دیگر نمونه‌های مداخله آمریکا در امور ایران بود. سلاواک که به نماد سرکوب سیاسی در ایران تبدیل شد، با کمک مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده تأسیس و آموزش دید تا اعتراضات مردمی و مخالفان رژیم شاه را سرکوب کند. این اقدامات بتدریج به افزایش نفرت عمومی نسبت به دخالت‌های خارجی و حمایت از انقلاب اسلامی منجر شد.

ادامه در صفحه ۶

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان بر واکنش به هر نوع حرکت آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران تأکید کردند

قطعا پاسخ دندان شکن

صفحه ۲



تصویر: Lendatir

اتکای بیش از حد دولت به منابع نسل‌های آینده

صندوق توسعه ملی قלק دولت نیست

میشم مهر پور

که تکانه‌های احتمالی بودجه‌های کشور را مهار کند. یعنی دولت حتی بدون اینکه به فکر ایجاد منابع جدید برای بودجه باشد، از ثروت صندوق که یک ثروت بین نسلی است برای تثبیت و حل مشکلات بودجه‌ای خود استفاده می‌کند. در واقع با این روند بعد از گذشت ۱۳ سال از آغاز به کار این صندوق، ماهیت این صندوق در حال فراموشی بوده و این صندوق تبدیل به محلی برای جبران خطاها و اشتباهات سیاست‌گذاران شده است. اشتباهات کشور بویژه مسائلی چون نظام مالیاتی، نظام تخصیص یارانه‌ها و حکمرانی ریالی و ارزی باعث شده صندوق توسعه ملی تبدیل به قلکی برای جبران اشتباهات کم کاری دولت‌ها شود، در حالی که فلسفه تأسیس این صندوق چیزی متفاوت از عملکرد و نگاه فعلی دولتمردان به آن است. بر اساس قانون، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی در حال حاضر باید ۴۰ درصد باشد اما نه تنها این سهم در لایحه بودجه ۱۴۰۴ رعایت نشده، بلکه درآمدهای پایدار دیگری برای تأمین هزینه‌های بودجه هم دیده نشده است و اصولا حتی اگر با پایبندی به قانون، استقراض از منابع صندوق را خط قرمز بدانیم، سایر راه‌های اعمالی دولت نیز دست کمی از آن ندارد.

نکته مهم این است: منابعی که از صندوق استقراض می‌شود صرف چه اموری شده و آیا بازگشت‌پذیر خواهد بود؟ نکته مهم‌تر اینکه منابع صندوق نباید صرف هزینه‌های جاری و معمول کشور شود، چرا که هدف اصلی و اولیه ایجاد صندوق فعالیت‌های تولیدی و بین نسلی بوده است. یعنی درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز برای نسل‌های آینده سرمایه‌گذاری شود. به عنوان هدف ثانویه و یک سطح پایین‌تر از آن می‌توان به فعالیت‌های توسعه‌ای صندوق اشاره کرد که در پایان باید بر این مساله تأکید داشت که نباید مشکلات بودجه‌ای و هزینه‌ای کشور به جای راه‌حل‌های صحیح از جمله افزایش درآمدهای پایدار از طریق اصلاح نظام حکمرانی، نظام مالیاتی، استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی یا کاهش هزینه‌ها از جمله اصلاح بودجه شرکت‌های دولتی و... - که هیچ کدام از آنها در لایحه بودجه ۱۴۰۴ دیده نشده است! - به سمت استقراض از منابع صندوقی رود که متعلق به نسل‌های آینده است.

دیدگاه
سال ۸۹ با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت، گاز و میعانات گازی به ثروت‌های ماندگار و حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع مذکور، صندوق توسعه ملی تأسیس و دی ۹۰ رسماً شروع به فعالیت کرد. حالا بعد از گذشت ۱۳ سال از آغاز به کار این صندوق، ماهیت این صندوق در حال فراموشی بوده و این صندوق تبدیل به محلی برای جبران خطاها و اشتباهات سیاست‌گذاران شده است. اشتباهات کشور بویژه مسائلی چون نظام مالیاتی، نظام تخصیص یارانه‌ها و حکمرانی ریالی و ارزی باعث شده صندوق توسعه ملی تبدیل به قلکی برای جبران اشتباهات کم کاری دولت‌ها شود، در حالی که فلسفه تأسیس این صندوق چیزی متفاوت از عملکرد و نگاه فعلی دولتمردان به آن است. بر اساس قانون، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی در حال حاضر باید ۴۰ درصد باشد اما نه تنها این سهم در لایحه بودجه ۱۴۰۴ رعایت نشده، بلکه درآمدهای پایدار دیگری برای تأمین هزینه‌های بودجه هم دیده نشده است و اصولا حتی اگر با پایبندی به قانون، استقراض از منابع صندوق را خط قرمز بدانیم، سایر راه‌های اعمالی دولت نیز دست کمی از آن ندارد.

نکته مهم این است: منابعی که از صندوق استقراض می‌شود صرف چه اموری شده و آیا بازگشت‌پذیر خواهد بود؟ نکته مهم‌تر اینکه منابع صندوق نباید صرف هزینه‌های جاری و معمول کشور شود، چرا که هدف اصلی و اولیه ایجاد صندوق فعالیت‌های تولیدی و بین نسلی بوده است. یعنی درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز برای نسل‌های آینده سرمایه‌گذاری شود. به عنوان هدف ثانویه و یک سطح پایین‌تر از آن می‌توان به فعالیت‌های توسعه‌ای صندوق اشاره کرد که در پایان باید بر این مساله تأکید داشت که نباید مشکلات بودجه‌ای و هزینه‌ای کشور به جای راه‌حل‌های صحیح از جمله افزایش درآمدهای پایدار از طریق اصلاح نظام حکمرانی، نظام مالیاتی، استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی یا کاهش هزینه‌ها از جمله اصلاح بودجه شرکت‌های دولتی و... - که هیچ کدام از آنها در لایحه بودجه ۱۴۰۴ دیده نشده است! - به سمت استقراض از منابع صندوقی رود که متعلق به نسل‌های آینده است.

از خاکستر جنگ منطقی‌های چه چیز بر خواهد خاست؟

لحظه سیمرغ

جعفر حسن خانی

در جان مردمان مسلمان منطقه به شکل یک تجربه مشترک در جریان است. تجربه مشترکی از غم، اندوه، شرمساری، شغف، شادمانی و غرور چه چیز می‌سازد؟ تجربه مشترک، هویت مشترک می‌سازد و هویت مشترک به پدیده مشترک و عمل مشترک می‌انجامد. فارغ از اخبار آمد و شد آهن‌آلات، ادوات و تجهیزات جنگی از سوی طرفین جنگ، در مناسبات اجتماعی منطقه چیزی در حال وقوع است. میان انسان‌های منطقه لحظه و «آن» باهم بودن و احساس پیوستگی و همبستگی در حال تجربه شدن است. در میانه این جنگ، گویی سیمرغ از به هم پیوستن مردمان منطقه به هم، در حال بال کشودن و بر کشیدن است. در پایان این جنگ باید منتظر یک «ها»ی جدید بود. هویت جمعی از دل تاریخ مشترک، رویدادهای مشترک و احساسات مشترک شکل می‌گیرد. در جریان این جنگ یک «ها»ی جدید در حال رستن است. شاید بتوان این لحظه باهم شدن را «لحظه سیمرغ» نامید. با نگاهی واقع‌گرایانه و عمیق، مبتنی بر واقعیت‌های منطقه و دیدن تحولات اجتماعی مردمان منطقه می‌توان از چیزی صحبت کرد که امر جدیدی است. بال‌لحظه سیمرغ یک هویت جمعی جدید، یک «ها»ی جدید در حال برخاستن از خاکستر به جا مانده از شعله‌های جنگ است و این «ها» تمدنی جدید مهم‌ترین بازگراینده خواهد بود. آینده از آن این پدیده نوظهور است؛ چیزی که دشمن التفاتی بدان ندارد اما دوست به جد باید متوجه آن باشد. بتازگی «مارک دوپوویتز»، رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌های آمریکا در مقاله خود در «آل‌استریت ژورنال» برای تصمیم‌گیران آمریکایی و اسرائیلی چنین تجویز کرد: «اسرائیل پس از سرنگونی «حلقه آتش» ایران، باید راهبرد «زنجیره آزادی» را ایجاد کند که هدف آن برانگیختن نارضایتی علیه ایران است». این نشان می‌دهد مهم‌ترین سرمایه اجتماعی دشمن در ایران «نارضایتی‌های اقتصادی» است اما چیزی که دوپوویتز نمی‌بیند شامل ۲ مورد است: ۱- نادیدن نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی جامعه «اسرائیل» که در روند ادامه جنگ موثر است. ۲- عدم التفات به سرمایه اجتماعی ایران در منطقه و ظهور یک «ها»ی فراملی مشترک منطقه‌ای با محوریت ایران که برای آینده منطقه متغیر تعیین‌کننده است.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت
آتش جنگ، منطقه را در نوردیده است و چه جان‌های عزیز را در خود گداخته است. سید نستوه مقاومت شهید سیدحسین نصرالله، مجاهد اسطوره‌ای مقاومت شهید یحیی سنوار و دیگر بزرگان چون شهیدان اسماعیل هنیه، سیدقواد شکر، ابراهیم عقیل و هزاران انسان مقاوم در این جنگ به شهادت رسیده‌اند. در این میان پرسش اساسی این است: پیروز این جنگ کیست؟ کسی که بسیار کشته یا کسی که بسیار کشته شده است؟ واقع‌گرایی ظاهر بینانه طرف اول را پیروز میدان می‌داند و از طرف دیگر رمانتیسیم نواقع‌گرایانه طرف دوم را. اما آیا می‌توان از زاویه دیدی دیگر مبتنی بر واقع‌گرایی و البته نه ظاهر‌گرایی، پاسخ دیگری برای طرف پیروز جنگ یافت؟ برای یافتن پاسخ این پرسش باید عمیق دید و دقیق جست‌وجو کرد. شاید از میانه خاکستر به جا مانده از جنگ چیزی در حال برخاستن باشد. در میانه این جنگ در اعماق روابط انسانی مردمان منطقه غرب آسیا چه چیز در جریان بوده است و ایشان چه نسبتی با جنگ داشته‌اند؟ توجه به این پرسش یاری‌گر پرسش از کیستی طرف پیروز جنگ است. به لحظه حرکت پهپادها و ایرانی در جریان عملیات «وعده صادق ۱» بنگرد. همه مردم منطقه شامل ایران، عراق، اردن، سوریه، لبنان و فلسطین صدای آن را شنیدند و احساس مشترکی را تجربه کردند. این لحظه مشترک و احساس مشترک را این افراد چه می‌کند؟ لحظه اصابت موشک‌های ایرانی به اهداف اسرائیلی را در جریان ۲ عملیات «وعده صادق ۱» و ۲ پیش چشم داشته باشید که چگونه همه مردم مسلمان از شمال آفریقا تا جنوب شبه‌جزیره عرب تأمین کوه‌های آنتولی و قفقاز تا فلات ایران و دشت‌های سند و پنجاب و کرانه‌های اقیانوس هند در سواحل مالزی و اندونزی با آن احساس و خاطره مشترکی را تجربه کردند. احساس شادمانی و غرور از پس احساس اندوه و غم، تجربه مشترک همه مردم بود. به لحظه روشن کردن سیگار شهروند اردنی با بوستر داغ موشک ایرانی نظر ببیند! اینها با ما چه می‌کند؟

همگی این دقایق و عواطف مشترک اشارتی به یک امر مهم دارند. در طول این جنگ که طی آن نخستین نسل‌کشی برخط (آنلاین) جهان به وقوع پیوست، احساس غم، اندوه و همدردی با فلسطینی‌ها و احساس نفرت از اسرائیلی‌ها و احساس کرامت و غرور از عمل ایرانی‌ها، یعنی‌ها، عراقی‌ها و لبنانی‌ها